

## Understanding Contexts of Crime in Immigrant Youth in Tehran

**Ali Asghar Darvishifard**

PhD Candidate in Social Work, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

**Sattar Parvin \***

Associate Professor of Social Work, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract


Immigrant youths are one of the vulnerable urban groups who are exposed to various types of crimes for various reasons. The present study has been conducted with the aim of understanding the contexts of crime among immigrant youth in Tehran. The research method is qualitative and necessary information has been collected through observation and semi-structured interviews. The sample size is 26 young immigrants who are currently in prison. After analyzing the data, 6 main themes including gap between expectations and achievements, Instigator of crime feelings and perceptions, underlie variables and confirming the crime, economic function of crime, unequal social- economic structure and traumatic environmental conditions, and 20 sub-themes were extracted. By inferring from the above findings, experiencing dense pressures at different personal, social and economic levels and reaching a perception based on the failure to achieve one's goals and expectations, has led to the occurrence of criminal behavior in a significant part of them. Also, the formation of perceptions based on the function of crime in the cultural background and primary environment of a person, along with a dim idea of the role of surveillance mechanisms in Tehran, have played a role in the occurrence of criminal behavior. Therefore, it is necessary to plan effectively to prevent the occurrence of crime, taking into account the intertwining and impact of all the factors involved in the occurrence of crime.


**Keywords:** Migration, Youth, Crime, Tehran City

\* Corresponding Author: sparvin1359@gmail.com

**How to Cite:** Darvishifard, A. A; parvin, S. (2023). **understanding contexts of crime in immigrant youth in Tehran**, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 14 (53), 277-312.

## فهم زمینه‌های جرم در جوانان مهاجر شهر تهران

علی اصغر درویشی فرد  دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی،  
تهران، ایران.

ستار پروین\*  دانشیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

جوانان مهاجر یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر شهری هستند که به دلایل مختلف در معرض درگیر شدن با انواع جرائم قرار دارند. مطالعه حاضر با هدف فهم زمینه‌های جرم در جوانان مهاجر شهر تهران انجام شده است. روش پژوهش، کیفی و اطلاعات لازم از طریق تکنیک مشاهده و مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شده است. حجم نمونه تعداد ۲۶ نفر از جوانان مهاجر درگیر با جرم است. پس از تحلیل اطلاعات، ۶ مضمون اصلی شامل، شکاف بین انتظارات و دستاوردها، احساسات و ادراکات برانگیزاننده جرم، متغیرهای بسترساز و تأییدکننده جرم، کارکرد اقتصادی جرم، ساختار اجتماعی - اقتصادی نابرابر و شرایط محیطی آسیب‌زا، و ۲۰ مضمون فرعی استخراج شد. با استنباط از یافته‌های فوق، تجربه کردن فشارهای درهم‌تنیده در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و دست‌یابی به ادراک مبتنی بر عدم دست‌یابی به اهداف و انتظارات در شهر تهران زمینه‌ساز بروز رفتارهای مجرمانه در بخش قابل توجهی از آنها شده است. همچنین، شکل‌گیری ادراک مبتنی بر کارکرد جرم در خواستگاه فرهنگی و محیط اولیه فرد به همراه کم‌رنگ تصور کردن نقش مکانیسم‌های نظارتی در شهر تهران در بروز رفتارهای مجرمانه نقش داشته است. بنابراین، لازمه برنامه‌ریزی مؤثر برای پیشگیری از بروز جرم، لحاظ کردن در هم تنیدگی و تأثیر تمامی فاکتورهایی است که در بروز جرم دخیل‌اند.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، جوانان، جرم، شهر تهران

## طرح مسئله

توزیع نامتوازن منابع و امکانات در سطح کشور سالانه جوانان متعددی را روانه کلان‌شهرها از جمله شهر تهران می‌کند. این شهر به علل مختلف دارای بالاترین میزان جرائم شهری در کشور است (پوراحمد و کلانتری، ۱۳۸۱). نداشتن شغل و یا منبع درآمد پایدار در مبدأ از مهم‌ترین دلایل مهاجرت در جوانان محسوب می‌شود، زیرا آنها در مبدأ با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده‌اند و برای جبران بخشی از این خلأها روانه شهرها شده‌اند. در واقع، مهاجرت ناشی از فقر، ویژگی مرکزی این گونه از مهاجرت است. علاوه بر این، ارتباطات و تعاملات این افراد در شکل‌گیری مهاجرت نقش تعیین‌کننده دارد. این ارتباطات و تعاملات این نگرش را به فرد القا می‌کند که مهاجرت دارای نتایج مفیدی بوده و می‌تواند بخشی از مشکلات آنها را حل کند. این نوع از مهاجرت که می‌توان آن را مهاجرت شبکه‌ای نامید، مهاجرت را تنها محدود به تصمیم فرد و یا یک عامل منفرد نظیر اقتصادی نمی‌داند، بلکه آن را به‌عنوان یک محصول اجتماعی می‌بیند که از تعامل و پیوند مجموعه‌ای از عوامل پدیدار شده است. این نوع از مهاجرت، گاهی اوقات با هدف پرداختن فرد به مشاغل کارگری و گاهی اوقات با هدف کسب درآمد از طرق مجرمانه شکل می‌گیرد. گمنامی و یا ناشناخته ماندن، شکل دادن دسته‌های کجروانه و یا امکان پیوستن به آنها، کم بودن نظارت‌های اجتماعی و انتظامی، اجاره بهاء پایین و به‌طور کلی بی‌سازمانی اجتماعی حاکم بر محلات مقصد، از فاکتورهای مهم و ترغیب‌کننده جوانان در نوع مهاجرت شبکه‌ای با هدف ارتکاب جرم است. گونه‌ای از مهاجرت که می‌توان آن را "مهاجرت کجروانه" نام نهاد. تفاوت مهاجرت کجروانه با دیگر مهاجرت‌ها این است که فرد مهاجر با قصد و نیت ارتکاب کارهای مجرمانه‌ای مثل فروش مواد مخدر در شهر مقصد یعنی تهران تصمیم به تغییر مکان و مهاجرت به این شهر را می‌گیرد (سراج زاده و همکاران، ۱۳۹۷). وقوع انواع جرم، مشکلات متعددی را در سطح جامعه به وجود می‌آورد. از یک طرف سلامت شهر را به خطر می‌اندازد و موجب ناامنی، دلهره، هراس و آشفته‌گی شهروندان می‌شود و از طرف دیگر موجب می‌شود تا

سیستم قضایی و انتظامی کشور بودجه‌ای کلان را صرف جرم، تعقیب و دستگیری و نگه‌داری مجرمین، رسیدگی‌های قضایی و مجازات آنها نماید. علاوه بر این، ارتکاب رفتار مجرمانه، سلامت عامل آن را در تحت تأثیرات منفی خود قرار داده و در سطوح مختلف فردی نیز تولید آسیب می‌کند. آسیب‌های روحی - روانی متعدد، فروپاشی ارتباطات فرد با خانواده و به یدک کشیدن داغ اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن صرفاً بخش محدودی از پیامدهای جرم برای جوانان به شمار می‌رود. بنابراین، می‌توان گفت وقوع جرم، سلامت جامعه را به انحاء مختلف مورد هدف قرار داده و هزینه‌های هنگفت و جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. تجربه شغلی و حرفه‌ای محقق در کار مستقیم روزانه با جوانان مهاجر درگیر با جرم بیانگر آن است که این افراد از محروم‌ترین گروه‌های اجتماعی بوده و در مواجهه با چالش‌های زندگی شهری و شرایط مهاجرتی خود آسیب‌پذیر و فاقد توانایی جهت واکنش سلامت بخش هستند. ابتدا اینکه آنها افرادی فاقد مهارت یا کم مهارت هستند و پس از مهاجرت به شهر تهران غالباً در مشاغل یدی که مشاغل طاق‌فرا و با زحمت و در دسر زیاد هستند مشغول به کار می‌شوند، دوم اینکه فقر مالی و پایگاه اقتصادی ضعیف این افراد، آن‌ها را به سمت اسکان و زندگی در محلات و شرایطی می‌کشاند که با مشخصه اصلی بی‌سازمانی اجتماعی در سطوح کالبدی و اجتماعی همراهند، سوم اینکه نوع فعالیت‌های روزانه این افراد و فضاهایی که در آن قرار می‌گیرند بسترساز شکل‌گیری احساسات و هیجانات منفی بوده و ادراک مبتنی بر کجروی را تقویت می‌کند، در نهایت، انتظارات و اهداف این افراد و آمل و آرزوهای مهاجرتی آنها، اغلب پس از مهاجرت و قرار گرفتن در فضای شغلی شهر تهران با پاسخ درخوری مواجه نمی‌شود. شواهد مختلف حکایت از آن دارد که مهاجرت جوانان به شهر تهران، لزوماً بهبود وضعیت آنها را در پی نداشته است و در موقعیت‌های بی‌شماری، چنین مهاجرت‌هایی نمایش‌نامه پیچیده و غم‌انگیزی را برای این افراد رقم می‌زند. درون کوچندگان کم‌سواد و کم‌مهارت، در بیشتر اوقات، تنها این فرصت را می‌یابند که در بازار کار فعالیت‌های بخش غیررسمی (مانند باربری، دست‌فروشی، دوره‌گردی، کارگر ساختمانی)، فقیرانه و مصیبت‌بار شهری یا

در فعالیتهای خدماتی پایین مرتبه کاری بخورونمیر دست‌وپا کنند. وضعیت مشابهی که در کتاب موکرجی از آن تحت عنوان پدیده مهاجرت ناشی از فقر و گرفتاری شهری یاد می‌شود (موکرجی<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۲۷). بیکاری‌های پی‌درپی، مشاغل کاذب و غیررسمی، مشاغل سخت و طاقت‌فرسا و فاقد امنیت شغلی، شرایط اسکان نامناسب، تجربه استعمار، دوری از خانواده و زادگاه خویش و زندگی در محلات آسیب‌خیز تنها بخشی از موقعیت‌های دشواری است که جوان مهاجر پس از ورود به شهر تهران آن را تجربه می‌کند. چنین شرایطی احتمال درگیر شدن این گروه از افراد با رفتارهای مجرمانه را تقویت کرده و پس از مدتی، دیر یا زود، آن‌ها را روانه زندان کرده است. زندان، تجربه‌ای تلخ است که مشکلات فرد مهاجر را پیچیده‌تر و وی را از دستیابی به اهداف و آرزوهای مهاجرتی خود فرسنگ‌ها دور می‌کند و چه‌بسا وی را به مجرم همیشگی تبدیل کند. هم‌نشینی با مجرمان سابقه‌دار، یادگیری خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه و پذیرش و درونی کردن فرهنگ جرم، طرد اجتماعی، شکل‌گیری هیجانات و احساسات منفی، فروپاشی ارتباطات فرد با خانواده، طرد اجتماعی در سطوح مختلف، آسیب‌های روحی - روانی فردی، داغ اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن، برخی از پیامدهای تجربه زندان و شرایط پس‌از آن است که در تحقیقات مختلف و تجربه زیسته جوانان مهاجر نیز مشهود است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، به نظر می‌رسد مهاجرت جوانان مهاجر به شهر تهران، نه‌تنها وضعیت بسیاری از آنها را بهبود نبخشیده است، بلکه درگیری آنها با جرائم متنوع را در پی داشته است. دستیابی به فهم و شناخت بی‌واسطه از تجربیات و چالش‌هایی که افراد را به سوی جرم سوق می‌دهد، اولین قدم در طراحی هرگونه الگوی مداخله‌ای کاربردی و اثربخش برای این افراد است. مبنای مقاله حاضر، رویکرد اختصاصی، آسیب‌شناسانه، کیفی و جامع‌نگر نسبت به زمینه‌هایی است که موجب درگیری فرد با نگرش‌ها و رفتارهای مجرمانه می‌شود. چنین رویکردی تحقیق حاضر را از مطالعات پیشین تفکیک کرده و جنبه نوآورانه

و کاربردی پژوهش به شمار می‌رود. با ذکر مقدمه فوق، پرسش اصلی پژوهش این است که، زمینه‌های درگیر شدن جوانان مهاجر با رفتارهای مجرمانه چه هستند؟

### پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش ابراهیمی (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که افراد غیربومی به سبب مشکلات متعدد از قبیل ناآشنایی با محیط، مشکل انتخاب مسکن، اشتغال، کسب و درآمد، برقراری ارتباط با دیگران و از همه مهم‌تر، حاشیه‌نشینی و وجود تفاوت‌های فرهنگی جامعه مبدأ و مقصد، در مقایسه با افراد بومی بیشتر در معرض ارتکاب جرم قرار دارند. در تحقیق سراج زاده و همکاران (۱۳۹۷)، با موضوع زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کجروانه فروشنده‌گان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت"، ۱۴ مقوله استخراج شد که عبارت‌اند از: فقدان امکانات و بیکاری، تجربه فقر و فشار روانی، یادگیری اجتماعی، تغییرات جوی و اقلیمی، مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی تهران، کم شدن کنترل خانواده‌ها، نگرش منفی والدین به این کار، ناکارآمدی نظام نظارت و کنترل، محرک‌های تداوم مهاجرت، جاذبه‌های اقتصادی مهاجرت نابهنجار، همه‌گیر بودن مهاجرت‌ها، قبح فروش مواد در مبدأ، بهنجار شدن جرم، تنش‌های خانوادگی و معضلات جمعیتی. مقوله هسته در پژوهش حاضر فشار ساختاری، شبکه‌های محلی و دسترسی به فرصت‌های رفتار کجروانه بود. یافته‌های پژوهش پروین و همکاران (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که کارگران مهاجر میدین میوه و تره‌بار با مسائلی مانند پایین بودن میزان دستمزد، دوری از خانواده، نبود اوقات فراغت، نبود صنف و یا سندیکای کارگری، برخوردهای تحقیرآمیز شهروندان و مشتریان، تغذیه نامناسب و فشارهای جسمی و روحی شدید مواجه و همچنین در معرض برخی از جرائم و آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. نتایج پژوهش علی بابایی و پروین (۱۳۹۱)، نشان می‌دهد که کارگران مهاجر فصلی از وضعیت نامناسبی به لحاظ وضعیت خواب و استراحت، تغذیه و درآمد برخوردارند. همچنین نتایج بیانگر آن است که بر اساس رفتارهای پرخطر، می‌توان کارگران فصلی را به سه گروه مستعد آسیب، آسیب‌پذیر و

آسیب‌زا (رفتارهای پرخطر و مجرمانه)، گونه شناسی کرد. در تحقیق صادقی فسایی (۱۳۸۶)، یافته‌ها نشان می‌دهد که دوری کارگران از خانواده پیامدهایی مانند نزاع‌های خانوادگی و شکسته شدن حرمت‌های اخلاقی را به دنبال دارد و نزاع، خشونت، دزدی، اعتیاد، فحشا، مزاحمت‌ها و آزارهای جنسی و مشروب‌خواری از جمله جرائمی است که در این کمپ‌ها اتفاق می‌افتد، کارگران در اوقات فراغت به اعتیاد و مشروب پناه می‌آورند. مولیندو کوئیلز<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، در تحقیق خود می‌گوید، نتایج تمام مطالعات تجزیه و تحلیل شده این ایده را تأیید می‌کند که تعداد بیشتری از عوامل خطر روانی - اجتماعی در مجرمان جوان نسبت به جوانان عادی رخ می‌دهد. عواملی در خانواده‌ای وجود دارد که دارای سبک‌های اجتماعی ناکافی، حتی سبک‌های سهل‌انگارانه است، که در شرایط اقتصادی بسیار نامرغوب که معمولاً وجود دارد، برجسته می‌شود. در کنار این، مصرف مواد نیز متغیری است که به‌طور مداوم در این جوانان تکرار می‌شود. به گروهی از همتایان منحرف متحد می‌شوند که طرفدار بروز رفتارهای مجرمانه هستند. ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، در تحقیق خود، نشان می‌دهد که جرائم کارگران مهاجر بیشتر توسط کارگرانی صورت می‌پذیرد که در مشاغل ناپایدار مشغولند. خشونت، ویژگی برجسته نوع جرائم کارگران مهاجر است. نوع جرائم بیشتر مالی و علیه اموال کم‌ارزش است. جرائم سازمان‌یافته در بین آنها معمول است و مکان این جرائم دارای الگوهای منظمی است. در نهایت، ژانگ، علل جرائم کارگران مهاجر را ناشی از فاکتورهای اجتماعی (سیستم دوگانه شهری - روستایی، سیستم مدیریت اجتماعی نامعقول و عدم تضمین منافع حقوقی کارگران) و فاکتورهای فردی (عدم سازگاری با زندگی در شهرها، اقتصاد و شرایط زندگی ضعیف، سطح پایین تحصیلات و کیفیت فردی و عدم تعادل وضعیت سلامت روان) می‌داند. در مطالعه بل<sup>۳</sup> (۲۰۱۴)، یکی از یافته‌های مهم تحقیق این است که مهاجرانی که با فرصت‌های بازار کاری ضعیف روبرو

---

1. Molinedo-Quílez  
2. Zhang  
3. Bell

هستند، بیشتر احتمال دارد مرتکب جرائم مالی شوند. مطالعه اسپنک‌اچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، شواهد تجربی در مورد تأثیر سیستماتیک مهاجرت بر جرم را ارائه می‌دهد. مطابق با الگوی اقتصادی جرم و جنایت، این تأثیر برای جرائم ناشی از منافع اقتصادی، نظیر سرقت وسایل نقلیه موتوری قوی‌ترین تأثیر است. همچنین، این تأثیر بیشتر برای مهاجرانی است که وضعیت بازار کار ضعیفی دارند.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که به‌ویژه در مطالعات داخلی با خلأ تحقیقاتی جدی مواجه هستیم. در مطالعات انجام‌شده، روش و رویکرد استفاده‌شده عمدتاً کمی بوده و توانایی فهم دقیق و معناشناسانه موضوع از منظر عامل رفتار را نداشته است. لازمه هرگونه برنامه‌ریزی اثربخش برای بازگشت افراد درگیر با جرم به شرایط عادی زندگی، توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مؤثر بر مشکل است؛ از آنجاکه پژوهش حاضر مبتنی بر درک عمیق تجربه افراد درگیر با جرم است و فرایند درگیر شدن آنها با جرم را با به‌شکلی عمیق واکاوی می‌کند، می‌تواند مسئولان، برنامه‌ریزان و نهادهای ذی‌ربط کمک می‌کند تا رویکردها و برنامه‌های کارآمدتر و علمی‌تری را پیش‌بینی و اجرا کنند.

### چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر، ترکیبی از تئوری‌های مهاجرت و جرم‌شناسی است. با توجه به اینکه هدف اصلی از ارائه چارچوب مفهومی در پژوهش‌های کیفی، افزایش حساسیت نظری پژوهشگر و شناسایی بهتر موضوع و مفاهیم حساس پژوهش است، رویکردهای محرومیت نسبی، مهاجرت شبکه‌ای، جاذبه - دافعه، فشار اجتماعی، یادگیری اجتماعی، انگ زنی و کنترل اجتماعی به دلیل دید جامع و در نظر گرفتن عوامل مختلف، در خصوص شناسایی علل مهاجرت در جوانان مهاجر و زمینه‌های درگیری آنها با رفتارهای مجرمانه می‌توانند نقش بارزی داشته باشند. در چارچوب نظریه "محرومیت



نسبی"، فرد مهاجر یا فردی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، دو موقعیت را ارزیابی می‌کند. از یک سو، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را با دیگران و از سوی دیگر وضعیت محل مبدأ را با محل مقصد ارزیابی و مقایسه می‌کند و در نتیجه این مقایسه تصمیم به مهاجرت می‌گیرد. (کاظمی پور و اردهائی، ۱۳۹۲). در "مهاجرت شبکه‌ای"، به عملکرد شبکه‌های اجتماعی بین مهاجران واقع در مقصد و خویشاوندان و آشنایان واقع در مبدأ اهمیت داده می‌شود (قاسمی اردهائی، ۱۳۹۵: ۴؛ به نقل از دجونگ و گاردنر<sup>۱</sup> ۱۹۸۱؛ تیلور<sup>۲</sup> ۱۹۸۶؛ سیسیپ و فاوست<sup>۳</sup> ۱۹۸۸؛ مسی و همکاران<sup>۴</sup> ۱۹۹۸). تماس بین مهاجران بالقوه در مناطق مهاجرپرست و اعضای خانواری که در خارج زندگی می‌کنند منجر به افزایش تمایلات قبلی برای مهاجرت به آن مناطق می‌شود (همان منبع؛ به نقل از هیرینگ و همکاران<sup>۵</sup> ۲۰۰۴). تئوری "جاذبه - دافعه" توسط لی به تبیین انگیزه‌های مهاجرت می‌پردازد. لی<sup>۶</sup> (۱۹۶۶) در مقاله‌ای با عنوان نظریه مهاجرت، تصمیم به مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل تبیین کرد که عبارت‌اند از: عوامل مرتبط با مبدأ، عوامل مرتبط با مقصد، موانع بازدارنده مرتبط با مهاجرت از مبدأ به مقصد و عوامل شخصی. طبق این تئوری، انگیزه مهاجرت در صورتی در فرد ایجاد می‌شود که براینده عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، فاکتورهای شخصی مداخله‌گر این تمایل را از بین نبرد و موانع پیش رو نیز در مسیر مهاجرت فرد تأثیر بازدارنده‌ای نداشته باشد. در این صورت مهاجرت عملیاتی می‌شود. تئوری "فشار اجتماعی" از مهم‌ترین تئوری‌ها در تبیین رفتارهای مجرمانه است. از نظر مرتون افراد مطیع قانون هستند اما زمانی که تحت تأثیر فشار زیاد باشند به جرم رجوع می‌کنند، شکاف میان اهداف و وسایل فراهم‌کننده این اهداف، منبع فشار است (پروین، ۱۳۹۳؛ به نقل از آدلر و دیگران، ۲۰۰۱). اگنیو<sup>۷</sup>، صاحب‌نظر اصلی نظریه عمومی فشار

- 
1. Dejong & Gardner
  2. Taylor
  3. Sycip & Fawcett
  4. Massey et al
  5. Heering et al
  6. Lee
  7. Agnew

معتقد است که مجرمیت نتیجه مستقیم شرایط اثرگذار منفی مانند خشم، ناامیدی، افسردگی، ترس و محرومیت است (Siegel, 2017: 236). وی به بحث درباره منابع فشار می‌پردازد، که عبارت‌اند از: شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، انفصال در ارتباط میان انتظارات و دستاوردها، فقدان محرک ارزشمند مثبت و مواجهه با محرک منفی. نکته اصلی نظریه "هم‌نشینی افتراقی" ساترلند این است که افراد به‌این‌علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباطات انحرافی آنها بیش از ارتباطات غیرانحرافی شان است (سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۸). از نظر ساترلند، جرم تابعی از یک فرایند یادگیری است که می‌تواند بر هر شخصی در هر فرهنگی تأثیر بگذارد. مهارت‌ها و انگیزه‌های منجر به جرم، به‌عنوان یک نتیجه از تماس با ارزش‌های جرم‌زا، نگرش‌ها و تعاریف و دیگر الگوهای رفتار مجرمانه یاد گرفته می‌شوند (Siegel, 2017: 239). هیرشی به‌عنوان صاحب‌نظر اصلی تئوری کنترل اجتماعی، پیوند میان فرد و جامعه را مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد می‌داند و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج‌رفتاری است. چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه که از نظر هیرشی مانع از کج‌رفتاری می‌شوند، عبارت‌اند از: داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها، تعهد به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره، درگیر شدن در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره و اعتقاد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات (سروستانی، ۱۳۹۰: ۵۲).

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. اطلاعات لازم با توجه به اهداف پژوهش، از طریق مراجعه به زندان‌های تهران بزرگ، فشافویه و قزل‌حصار و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته، مشاهده و یادداشت‌برداری در میدان مورد مطالعه به‌دست آمده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، جوانان مهاجر داخلی هستند که به علت ارتکاب رفتار مجرمانه، در حال گذراندن دوران محکومیت خود بوده‌اند. شواهد مختلف از جمله، تجربه محقق به‌عنوان مددکار

اجتماعی موسسه کیفری و ارتباط مستقیم روزانه با انواع محکومان و کسب نظرخواهی از سوی همکاران و یافته‌های به‌دست آمده در پژوهش، بیانگر آن است که "جرائم مرتبط با مواد" و "جرائم مرتبط با سرقت" شایع‌ترین جرائم در بین جوانان مهاجر هستند. با توجه به اینکه جرائم جوانان مهاجر، غالباً در دو طیف اصلی فوق جای می‌گیرند، نمونه‌های پژوهش از بین این دو گروه انتخاب شد. بنابراین، مهاجر بودن، قرار گرفتن در طیف سنی جوانان، داشتن سابقه جرم و جرائم مرتبط با مواد و سرقت، ملاک‌های اولیه جهت انتخاب نمونه‌ها و حضور آنها در فرایند مصاحبه‌ها است. تجربه محقق به‌عنوان مددکار اجتماعی موسسه کیفری و ارتباط مستقیم روزانه با انواع محکومان و کسب نظرخواهی از سوی همکاران، ملاک عمل جهت انتخاب این نوع از نمونه‌ها بوده است. بر این اساس و با معیار اشباع نظری، با تعداد ۲۶ نفر از جوانان مهاجر زندانی با روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه شد. با توجه به عدم کسب مجوز جهت ضبط مصاحبه‌ها به علت شرایط ویژه حاکم بر مؤسسات کیفری، در حین انجام مصاحبه‌ها یادداشت‌برداری سریع انجام پذیرفت و پس از انجام هر مصاحبه اطلاعات اخذشده بلافاصله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مصاحبه‌ها در اتاق واحد مددکاری اجتماعی، اتاق رؤسای اندرزگاه‌ها و دیگر مکان‌های دارای فضای امن و قابل‌اعتماد انجام شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش تماتیک یا تحلیل موضوعی به شیوه ولکات<sup>۱</sup> استفاده شده است. ولکات (۲۰۰۵ و ۲۰۰۸)، نیز طرح تماتیک ساده‌ای ارائه داده است که شامل سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر است (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۹۱). در مرحله توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند. نظم مذکور می‌تواند بر اساس نظر محقق یا فرد شرکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها سازماندهی، تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند، وی این مرحله از تحلیل را «بعد کمی تحقیق کیفی» می‌نامد. در مرحله تفسیر نیز تفسیرهای اصلی صورت می‌گیرند. این تفسیرها عمدتاً با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شوند. اشتغال محقق به‌عنوان مددکار اجتماعی زندان، درگیری طولانی‌مدت محقق در میدان مطالعه، مشاهده مداوم، بررسی

---

1. Wolcott

موضوع از زوایای مختلف و بررسی نوشته‌ها بصورت مداوم توسط نویسندگان پژوهش از فاکتورهای مرتبط با افزایش باورپذیری و اعتماد در تحقیق حاضر است. علاوه بر این، برای افزایش دقت علمی تحقیق، از روش بازبینی توسط همکار تحقیقاتی نیز بهره گرفته شد. بدین معنا که یافته‌های تحقیق از طریق تعامل لازم و رفت و برگشت مکرر میان محقق و استاد راهنمای تحقیق به‌طور مداوم بررسی و اصلاح و تکمیل شد و همسانی در نام‌گذاری و سازماندهی مقوله‌ها و ترسیم شبکه مضامین پژوهش به بالاترین حد ممکن رسید. در ارتباط با رعایت ملاحظات اخلاقی، قبل از انجام مصاحبه‌ها در ارتباط با موضوعات اخلاقی شامل هدف پژوهش، محرمانه ماندن هویت افراد، مصاحبه در فضایی امن و عدم سوءاستفاده از مباحث بیان‌شده به مشارکت‌کنندگان در پژوهش اطمینان لازم داده شد و پس از کسب رضایت آگاهانه به‌صورت شفاهی فرایند انجام مصاحبه آغاز گردید.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، شامل دو بخش است. در بخش اول پژوهش، مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است. در بخش دوم پژوهش، یافته‌های اصلی پژوهش یعنی، فرایند درگیر شدن این افراد با رفتارهای مجرمانه ترسیم شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

عناوین	تعداد
تعداد کل نمونه	۲۶ مورد
جنسیت	مرد: ۲۶ نفر
	زن: --
سن	حداقل: ۲۱ سال
	حداکثر: ۳۵ سال
وضعیت تأهل	متأهل: ۸ نفر
	مجرد: ۱۸ نفر

عناوین	تعداد
تحصیلات	ابتدایی: ۶ نفر
	راهنمایی: ۱۱ نفر
	دبیرستان: ۵ نفر
	دیپلم: ۳ نفر
	بی سواد: ۱ نفر
نوع محکومیت	سرقت: ۱۲ نفر
	مواد مخدر: ۷ نفر
	سرقت و مواد: ۲ نفر
	معتادان ماده ۱۶ و سرقت: ۳ نفر
	معتادان ماده ۱۶ و مواد: ۲ نفر

#### مضامین مرتبط با زمینه‌های جرم در جوانان مهاجر

در این بخش از پژوهش، زمینه‌های درگیر شدن جوانان مهاجر با رفتارهای مجرمانه ارائه شده است. در این راستا، شش (۶) مضمون اصلی و بیست و یک (۲۱) مضمون فرعی یا زیر مضمون استخراج شد.

جدول ۲- شبکه مضامین و مفاهیم مرتبط با زمینه‌های جرم در جوانان مهاجر

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
نبود سرمایه و مهارت کافی، عدم آشنایی کافی با سازوکارهای زندگی شهری، فشارهای جسمی - روانی، اسباب‌کشی، گاری کشی، بنایی، کارگری ساختمان، نظافت منزل، دوره‌گردی و مشاغل مشابه دیگر، احساس تحقیر، ناامیدی، پوچی و بی‌کفایتی، در هم تنیدگی و هم‌زمانی این فشارها و عدم دستیابی به خواسته‌ها	فشارهای شغلی	شکاف عمیق بین انتظارات و دستاوردها
نبود توانایی‌ها و مهارت‌های درآمدزا، مشاغل پیدی، کار طاقت‌فرسا، درآمد اندک، عدم پایداری، مهارت اندک، ناامنی شغلی، نبود بیمه، درآمد ناپایدار، احساس تحقیر و بی‌احترامی، سرخوردگی	اشتغال کاذب و طاقت فرست	
درآمد ناچیز، درآمد بخورونمیر، عدم پاسخگو بودن درآمد برای تأمین گذران روزانه، ناتوانی در یاری‌رسانی به خانواده	ناتوانی در تحقق انتظارات خود و خانواده	
تصمیم به جرم پس از یک دوره طولانی، درک قطعی نسبت به عدم دستیابی به خواسته‌ها، تجربه کردن مجموعه‌ای از شرایط منفی بلندمدت و ترغیب‌کننده جرم	غروب دهشت‌آور خواسته‌ها	
نبود فرصت‌های کاری، نداشتن سرمایه، نداشتن سواد و مهارت کافی، درک مبتنی بر ناتوانی در تغییر زندگی خود، ناتوانی در کسب درآمد	احساس رهاشدگی / بی‌قدرتی	شکل‌گیری احساسات و ادراکات
بازتاب تجربه زندگی شهری، عینی شدن مصادیق رفاهی گروه‌ها و طبقات شهری، ناتوانی در تأمین خواسته‌های بهنجار	احساس تبعیض و نادیده انگاری	برانگیزاننده جرم
فقر فرهنگی، تأثیر ویژگی‌های خرده‌فرهنگی، ارزش قائل شدن برای ویژگی‌هایی همچون، عرضه داشتن، ترس بودن و توانمند بودن	وجود ارزش‌های تأییدکننده جرم	متغیرهای بستر ساز و تأییدکننده جرم
درگیری پیشین فرد در فعالیت‌های مجرمانه، تفکر مبتنی بر سهولت در ارتکاب جرم، گمنامی در شهر تهران، عدم شناسایی، کمرنگ شدن نظارت محلی و اجتماعی، سازمانی اجتماعی	سابقه قبلی درگیری با جرم	تأییدکننده جرم

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
ناتوانی در کسب درآمد از طریق مشاغل بهنجار، فقر خانوادگی، تجربه پیشین فرد در مشاغل ناپایدار و کاذب و آشنایی با گروه‌های مجرمانه و کم و کیف درآمد آنها	افکار مبتنی بر ایجاد تغییر اساسی در زندگی فقیرانه خود	
شرایط زمینه‌ساز برای شکل‌گیری نگرش مجرمانه، شناخت یا معاشرت با مجرمان موفق، مشاهده کسب درآمد مورد انتظار در این افراد	مقایسه و الگوپذیری از دیگران موفق در امور مجرمانه	
هم‌نشینی و تعامل مستقیم با گروه‌های مجرمانه، شکل‌گیری شبکه‌های مجرمانه	عضویت فرد در شبکه‌های دوستی دارای انگیزه‌های مجرمانه	
کارکرد جرم در شروع آن، حداقل امکانات و یا هیچ امکانات شروع‌کننده	شروع جرم با سرمایه اندک	کارکرد اقتصادی جرم
تصور مبتنی بر عدم امکان دستیابی به هدف، کسب درآمد در زمانی کوتاه، کسب جایگاه اجتماعی، خرید ماشین، مسکن و غیره	دور زدن مسیر دستیابی به هدف	
تجربه اقامت در مناطق محروم، دسترسی اندک به فرصت‌ها و امکانات درآمدزا، نابرابری نهادی در منطقه زیست‌بوم	نبود فرصت‌ها و امکانات شغلی در زادگاه فرد	ساختار اجتماعی اقتصادی نابرابر
عدم برنامه برای جذب مهاجران، نبود سازوکار شغلی و اقامتی، مشکل در نحوه انجام رفتار و تعاملات در شهرهای بزرگ، محدود شدن امکان جذب جوانان در مشاغل رسمی، از بین رفتن امکان نظارت بر رفتارهای افراد، اهداف و آرزوهای تحقق‌نیافته، نبود سرمایه و مهارت لازم، ناتوانی در کسب درآمد مورد انتظار، پیچیده شدن نیازهای فرد، عمیق شدن محرومیت فرد، اطمینان در عدم دستیابی به اهداف	فقدان سازوکارهای حمایت‌کننده برای جذب مهاجران	
سبک زندگی آسیب‌پذیرانه، تعاملات و فراوانی ارتباطات آنها با مصرف‌کنندگان مواد در محل کار و محل اسکان، فشارهای جسمی و روحی - روانی ناشی از محیط، رفتارهای اعتیادی، از بین رفتن توانایی و انگیزه کار کردن، در پیش گرفتن سبک زندگی مجرمانه	در هم تنیدگی مصرف مواد و سبک زندگی کارگری	شرایط محیطی آسیب‌زا

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
امکانات محدود برای استراحت و گذران زندگی روزمره، اجاره اتاق در محلات آسیب خیز، زندگی دسته‌جمعی یا کلونی گونه، ساختمان‌های اشتراکی، حضور افراد مصرف‌کننده، قمارباز، سارقان	اسکان نامناسب و مستعد جرم	
فراوانی معاشرت و تعامل با این گروه‌ها، آشنایی با سبک و سیاق کسب درآمد این افراد و مقایسه شرایط فعلی خود با آنها،	معاشرت با گروه‌های مجرمانه	
ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی ترغیب‌کننده جرم، خانه‌های مجردی، از بین رفتن قبح مصرف مواد و انجام رفتارهای مجرمانه، حضور دسته‌جمعی قماربازان، خریدوفروش علنی مواد، نبود نظارت‌های اجتماعی و انتظامی، از بین رفتن فشار ناشی از نظارت نظام‌های کنترل رسمی و غیررسمی	تجربه زیستن در محلات بی‌سازمان شهری	
شرایط اثرگذار منفی در تجربه تعاملات و فضاها، تجربه توهین و بی‌احترامی، تحقیر اجتماعی، طرد، انگ و نگاه منفی، مقایسه مداوم خود با دیگران و شکل‌گیری احساسات و هیجانات منفی	اثرات منفی زندگی شهری	

#### ۱- شکاف عمیق بین انتظارات - دستاوردها: مقوله حاضر از مضامین اصلی

پژوهش است. این مضمون بیانگر آن است که جوانان مهاجر پس از مهاجرت به شهر تهران و تجربه کردن شرایط کاری و اقامتی و به‌طور کلی آورده‌های زندگی روزمره، در دست‌یابی به انتظارات اولیه خود ناموفق بوده‌اند و دستاوردهای خود را در این زمینه ناچیز و یا ناموفق درک کرده‌اند. گرایش به رفتار مجرمانه، استراتژی انتخابی این افراد برای پر کردن شکاف میان انتظارات ابتدایی و دستاوردهای خود بوده است. این شکاف، مشتمل بر چهار زیر مضمون، فشارهای شغلی، ناتوانی در تحقق انتظارات خود و خانواده، اشتغال کاذب و طاقت‌فرسا و غروب دهشت‌آور خواسته‌ها است.

#### ۱-۱- فشارهای شغلی: نداشتن سرمایه و مهارت کافی و عدم آشنایی کافی با

سازوکارهای زندگی شهری، فرد مهاجر را مجبور به فعالیت در مشاغل می‌کند که با فشارهای جسمی - روانی زیادی همراه است. در واقع، آن‌ها اغلب در مشاغل کارگری



فهم زمینه‌های جرم در جوانان مهاجر شهر تهران، درویشی فرد و پروین | ۲۹۳

سطح پایین نظیر اسباب‌کشی، گاری کشی، بنایی، کارگری ساختمان، نظافت منزل، دوره‌گردی و مشاغل مشابه دیگر مشغول شده‌اند. پرداختن به مشاغل فوق، عمدتاً با فشارهای جسمی و تنش‌های روانی شدیدی همچون، احساس تحقیر، ناامیدی، پوچی و بی‌کفایتی همراه بوده است. در هم تنیدگی و هم‌زمانی این فشارها و به تبع آن عدم دستیابی به خواسته‌ها، منجر به تحریک و ترغیب به مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه می‌شود.

«اولین بار توی رستورانی که کار می‌کردم گوشه‌ی مشتری رو دزدیدم. اون موقع ۱۴ سالم بود. خاستم رستورانو خالی کنم که جور در نیومد. پول خیلی کمی بهم می‌دادن، به زور خرجیمو درمی‌آوردم. همش بهم توهین می‌شد. احساس ضعف می‌کردم. اولین خلافم برمیگردد به همون گوشه‌ی. تا مدت‌ها گذری این کارو می‌کردم. کم کم با دوستانی آشنا شدم که خونه رو بودن و شروع کردم به خونه رویی (p10)».

«من برای کار کردن اومدم تهران، حتی ۸-۷ ماه هم کارای زیادی رو شروع کردم، از کارگری ساختمون گرفته تا اسباب‌کشی خونه، بعد از مدتی دیگه نتونستیم ادامه بدم چون دیگه خسته شده بودم پولش خیلی کم بود، فشاری که بهم میومد زیاد بود، کم کم به خاطر اینکه بتونم بیشتر کار کنم رفتم سراغ شیشه و دوا، بعد از مدتی که به خودم اومدم دیدم شدم کاسب و دزد و همه جور خلاف می‌کنم (p25)».

۲-۱- اشتغال کاذب و طاقت‌فرسا: جوانان مهاجر عمدتاً افرادی هستند که از توانایی‌ها و مهارت‌های درآمدزا و کسب درآمد محدودی برخوردارند و از طریق فعالیت در مشاغل کاذب و یدی اقدام به کسب درآمد می‌کنند. ویژگی اصلی این مشاغل را می‌توان در مفاهیمی همچون، "کار طاقت‌فرسا"، "درآمد اندک"، "عدم پایداری"، "مهارت اندک"، "ناامنی شغلی"، "نبود بیمه" و "درآمد ناپایدار"، "احساس تحقیر و بی‌احترامی"، "سرخوردگی" و نظایر آن خلاصه نمود.

«وقتی اومدم تهران هیچ مهارتی نداشتم، فقط بلد بودم کارگری کنم، از جسمم کار می‌کشیدم تا اینکه بعد از مدتی خسته شدم و قیدش رو زدم. البته کارگری درآمد نداره، یه روز کار هست یه روز نیست، همیشه بهش دلخوش کرد (p24)».

«کارگری یعنی بدبختی، یعنی هرروز تحقیر بشی، یعنی هیچ پس‌اندازی برای آیندت نتونی داشته باشی، به زور خرج خودتو دربیاری، خلاصه نتونی باهاتش به زندگی بسازی (p15)».

۳-۱- ناتوانی در تحقق خواسته‌های خود و خانواده: فرد مهاجر که برای پاسخ‌دهی به انتظارات خود و خانواده، روانه شهر تهران شده است، پس از گذشت مدتی از اقامت در شهر تهران و تجربه نمودن شرایط کاری مختلف، با این واقعیت مواجه می‌شود که درآمد ناچیزش، به گونه‌ای است که اغلب حداقل انتظارات وی و خانواده را تأمین نمی‌کند. ناهمخوانی و ایجاد شکاف میان درآمد و سطح انتظارات حداقلی فرد، از دلایل اصلی گرایش وی به رفتارهای مجرمانه بوده است. درآمد ناچیز فرد که می‌توان آن را در آمدی "بخورونمیر" نام نهاد به گونه‌ای است که نه تنها پاسخگوی نیازهای روزمره وی نیست، بلکه اغلب به حدی ناچیز است که هیچ آورده‌ای را برای یاری‌رسانی به خانواده و تأمین انتظارات آنها به همراه ندارد.

«وقتی کارگری می‌کنی بعد از مدتی مطمئن میشی که با این مدل کار کردن به‌جایی نمی‌رسی، صبح تا شب میدویی آخرش به زور خرج خودتو در میاری (p19)».

«من اومده بودم تهران برای خانوادم پولی دربیارم بفرستم، ولی بعد از مدتی که کارگری کردم متوجه شدم نمی‌تونم این کارو بکنم، با چند نفر آشنا شدم که خلاف می‌کردن و راضی هم بودن، تشویق شدم رفتم سمت خلاف (p1)».

۴-۱- غروب دهشت‌آور خواسته‌ها: غروب دهشت‌آور خواسته‌ها، فرایند انتهایی مسیر پرتلاطم زندگی فرد مهاجر را به تصویر می‌کشد. این مضمون بیانگر شرایطی است که در آن جوان مهاجر پس از گذشت مدتی از زندگی در تهران و تجربه نمودن شرایط مختلف، به این نتیجه می‌رسد که رسیدن به خواسته‌ها و اهداف مورد انتظار، از طریق فعالیت در مشاغل کارگری و کاذب غیرممکن بوده و به ناگزیر بایستی در پی جایگزین نمودن مسیر دست‌یابی به هدف باشد. این افراد بر این باورند که اقدام به جرم از سوی آنها،

تصمیمی آنی و یا زود هنگام نبوده و غالباً در نتیجه مجموعه‌ای از شرایط منفی بلندمدت و ترغیب‌کننده جرم در شهر تهران بوده است.

«بعد از چند سال که توی تهران بودم به این نتیجه رسیدم که با کارگری کردن نمیتونم به خاسته هام برسم، چون صبح تا شب کار می‌کردم ولی آخرش چیزی برام نمی‌موند. باید تصمیم می‌گرفتم، یا بر می‌گشتم به شهرستان که نمی‌شد یا روشمو تغییر می‌دادم که من راه دومو انتخاب کردم (p24)».

«آدم وقتی میره دنبال خلاف که راهی براش نمونده باشه، همه جور راه‌ها و روش‌های سالم پول درآوردن رو انجام داده باشه، خلاف یعنی دست به خطر زدن، یعنی رفتن توی دهن شیر، یعنی اینکه ما با انتخاب خودمون وارد خلاف نشدیم، شرایط به مرور زمان طوری پیش رفت که مجبور شدیم بریم سمت خلاف چون چاره دیگه‌ای نداشتیم (p18)».

## ۲- شکل‌گیری احساسات و ادراکات برانگیزاننده جرم: این مقوله دومین مضمون

اصلی پژوهش است. این مضمون بیانگر آن است که جوانان مهاجر در شهر تهران با شرایطی زیسته‌اند که همراه با احساسات و ادراکات منفی بوده و چنین شرایطی در گرایش آنها به انجام رفتار مجرمانه تأثیر بسزایی داشته است. این مضمون مشتمل بر دو زیر مضمون، احساس رهاشدگی / بی‌قدرتی و احساس تبعیض و نادیده انگاری است.

### ۲-۱- احساس رهاشدگی / بی‌قدرتی: از نتایج مصاحبه‌ها این گونه استنباط می‌شود

که جوانان مهاجر پس از ورود به شهر تهران و تجربه نمودن وضعیت زندگی شهری، در سطوح مختلف با نوعی احساس رهاشدگی و بی‌قدرتی مواجه بوده‌اند. شرایطی که مصادیق آن را می‌توان در موضوعاتی همچون، شرایط کاری سخت و طاقت‌فرسا، اسکان نامناسب، شکل‌گیری هیجانات منفی و مصرف مواد از یک طرف و نبود هیچ‌گونه مکانیسم حمایتگر جهت تعدیل و یا حذف این شرایط آسیب‌زننده، از سوی دیگر، مشاهده کرد. در این شرایط، افراد هیچ‌گونه روزنه‌امیدی برای دستیابی به اهداف خود نمی‌یابند و به‌طور مداوم با این احساس و تفکر درگیرند که در شهر تهران رهاشده، فاقد دفاع و آسیب‌پذیر در برابر شرایط موجود هستند.

«وقتی می‌ای تهران و مدتی هم می‌گذره احساس می‌کنی برای کسی مهم نیستی، کسی بهت اهمیت نمی‌ده، همه دنبال اینن که نهایت کار رو ازت بکشن و کمترین مزد رو بهت بدن، احساس می‌کنی (p9)».

«وقتی کارگری می‌کردم احساس بدی داشتم چون می‌دیدم دیگران چقدر پول و سرمایه دارن و من چقدر بدبختم. احساس می‌کردم کسی بهم اهمیت نمی‌ده. کسی که پول نداره نمیتونه زندگیشو تغییر بده پس احساس ناتوانی می‌کنه. اینکه نمیتونه زندگیشو سروسامان بده (p18)».

**۲-۲- احساس تبعیض و نادیده انگاری:** پس از گذشت مدتی از اقامت در شهر تهران، بازتاب زندگی شهری و عینی شدن مصادیق رفاهی گروه‌ها و طبقات شهری و دستیابی فرد به ادراک مبتنی بر ناتوانی در بهبود وضعیت زندگی خود، فرد مهاجر احساس می‌کند که نادیده انگاشته شده و نوعی احساس تبعیض در وی ایجاد می‌شود و او را به سمت و سویی می‌کشاند که در راستای جبران آن برآید. در چنین شرایطی فرد مهاجر که سرمایه، مهارت و توانایی لازم برای جبران بهنجار خواسته‌های خود را ندارد، به ناگزیر به در پیش گرفتن روش‌های مجرمانه سوق داده می‌شود.

«وقتی اومده بودم تهران همیشه شرایط خودمو با دیگران مقایسه می‌کردم و حسرت می‌خوردم. احساس می‌کردم که خیلی کمبود دارم، به خیلی چیزا هنوز نرسیدم و نمیتونم با این روش زندگی بهشون برسم (p22)».

«وقتی می‌دیدیم بقیه اینقدر پول دارن و من ندارم، احساس بدی بهم دست می‌داد. من از کسایی دزدی کردم که پولشون از پارو بالا می‌ره. حق امثال من و شمارو خوردن (p17)».

**۳- متغیرهای بستر ساز و تاییدکننده جرم:** این مقوله، سومین مضمون اصلی پژوهش است. منظور از این مضمون، عوامل و شرایط زمینه‌سازی است که قبل از مهاجرت فرد به شهر تهران وجود داشته و در گرایش وی به انجام رفتار مجرمانه تأثیرگذار بوده است. برخی از این عوامل مستقیماً فرهنگی بوده و برخی دیگر برخاسته از تعاملات بین فردی جوان مهاجر با افرادی است که درگیر رفتارهای مجرمانه بوده‌اند. بنابراین، در اینجا

انگیزه فرد از مهاجرت به شهر تهران، نه اشتغال در مشاغل کارگری و کسب درآمد از آن طریق، بلکه انجام رفتار مجرمانه بوده است و پس از ورود به شهر تهران مستقیماً وارد گروه‌های مجرمانه می‌شود.

۱-۳- وجود ارزش‌های تأییدکننده جرم در فرهنگ بومی: فرهنگی که فرد مهاجر در آن رشد و تکامل یافته است نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مجرمانه دارد. گاهی اوقات، چنین فرهنگی رفتارهای مجرمانه را تأیید و آن را با ویژگی‌هایی همچون "عرضه داشتن"، "ترس بودن" و "توانمند بودن"، برابر می‌داند. در موارد قابل توجهی، در این فرهنگ ویژگی‌هایی وجود دارد که می‌توان از آنها تحت عنوان "ویژگی‌های خرده‌فرهنگی" نام برد. ویژگی‌هایی که گاهی فراتر از فقر مادی، ترغیب‌کننده افراد نسبت به انجام رفتارهای مجرمانه است.

«طرفای ما هرکی بیشتر خلاف کنه، بیشتر قبولش دارن، یارو که مواد کیلو کیلو میاره برای خودش اعتباری داره، ماشین خیلی خوب سوار میشه، باهاش پز می‌ده، توی مردم اعتبار داره، هرکی بیشتر پول دربیاره و گیر نیفته به افتخاره (p16)».

«خیلی از ماها خلاف و خلاف کاری شغل پدری و خونوادگیمونه و به این راحتیا نمیتونیم ارزش دست بکشیم (p5)».

۲-۳- سابقه قبلی درگیری با جرم: گاهی اوقات، فرد قبل از اینکه به شهر تهران مهاجرت کند و در پی جرمی باشد، با رفتارهای مجرمانه درگیر بوده است. در واقع سابقه قبلی درگیری با جرم، ویژگی این گروه از افراد است. این گروه از افراد در شهر تهران، بالعکس شهرهای کوچک‌تر، با توجه به ویژگی‌هایی همچون "گمنامی"، "عدم شناسایی"، "کمرنگ شدن نظارت محلی و اجتماعی" و "بی‌سازمانی اجتماعی در برخی محلات آسیب‌پذیر شهری"، به شکل راحت‌تری به رفتارهای مجرمانه خود فعالیت می‌بخشند و از دلایل اصلی مهاجرت کجروانه آن‌ها به شهر تهران است. ویژگی‌هایی که به‌وضوح توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر زبان جاری می‌شود.

«قبل از اینکه پیام تهران خلاف می‌کردم، اونجا هم کاسبی می‌کردم (خرید و فروش

مواد)، بعد از مدتی دیدم که شهرستان دیگه در آمد اونچنانی نداره، همه هم میشناسنت، همینم باعث شد پیام تهران تا راحت‌تر بتونم کارمو انجام بدم (p5)».

«تهران راحت‌تر میشه خلاف کرد، هر کاری کنی کسی باهات کاری نداره، اصلاً کسی تورو نمیشناسه، اگرم گیر بیفتی همه نمیگن پسر فلانی گیرافتاده، آبروی خونوادتو نمی‌بری، بعد از مدتی میای بیرون کسی هم متوجه نمیشه (p16)».

۳-۳- افکار مبتنی بر ایجاد تغییر اساسی در زندگی فقیرانه خود: در اینجا فرد مهاجر با این نیت اقدام به مهاجرت می‌کند که تغییری اساسی در زندگی فقیرانه خود ایجاد کند. فرد مهاجر، به این نتیجه رسیده است که امرارمعاش و کسب درآمد از طریق اشتغال در فعالیت‌های بهنجار اجتماعی و مشاغل کاذب و غیررسمی عواید مالی چندانی را در پی نخواهد داشت و ضرورت دارد وی از طریق فعالیت‌های مجرمانه اقدام به کسب درآمد مورد انتظار خود نماید. فقر خانوادگی، تجربه پیشین فرد در مشاغل ناپایدار و کاذب و آشنایی با گروه‌های مجرمانه و کم و کیف درآمد آنها، در شکل‌گیری چنین نگرشی تأثیر بسزایی داشته است.

«درآمد خوب نبود، کارگری درآمدی نداره، همش باید کار کنی چیزی هم عایدت نمیشه، هزار تا آرزو داشتم که هنوز بهش نرسیده بودم، همینم باعث شد بعد مدتی برم سمت خلاف. چند تا از آشناها و دوستانم که توی اینکار بودن رو پیدا کردم باهاشون شروع کردم (p1)».

«طرفای ما اصلاً کار نیست، امکاناتی نیست که آدم بتونه پول دربیاره، شرایطمون سخت بود با امید پول درآوردن اومدم تهران، با خودم گفتم مدتی کار (سرقت) می‌کنم و وضعیت زندگی خودم و خانواده رو بهتر می‌کنم بعدش میرم کنار که افتادم توش، الانم اینجام (p14)».

۳-۴- مقایسه و الگوپذیری از دیگران موفق در امور مجرمانه: گاهی اوقات فرد مهاجر، خانواده، دوستان، خویشاوندان، همسایگان و به‌طور کلی دیگرانی را می‌شناسد یا با آنها معاشرت و تعامل دارد که در موضوع رفتارهای مجرمانه و کسب درآمد در این زمینه موفق بوده‌اند. چنین شرایطی زمینه را برای مقایسه و الگوپذیری از دیگران موفق ایجاد

می‌کند. شرایطی که نگرش مجرمانه‌ای را در فرد ایجاد کرده و وی را نسبت به ارتکاب رفتارهای مجرمانه مصمم و جسور می‌کند.

«وقتی تو می‌بینی اطرافیان همه از راه خلاف پولدار شدن تو هم وسوسه میشی بیای این راهو تجربه کنی (p5)».

«وقتی دیدم دوستانم به طلافروشی رو زدن و باهاش خونه و ماشین خریدن، منم تشویق شدم باهاشون همدستی کردم، بعد از مدتی خودم دیگه ماشین بر حرفه‌ای شدم و بهترین درآمدو داشتم (p2)».

۵-۳- عضویت فرد در شبکه‌های دوستی دارای انگیزه مجرمانه: در اینجا، فرد مهاجر قبل از ورود به شهر تهران، به گروه‌هایی پیوسته است که قصدشان از ورود به شهر تهران، ارتکاب رفتارهای مجرمانه بوده است. در واقع، فرد با هم‌نشینی در این گروه‌ها، انگیزه‌هایی را در خود پرورش داده است که دارای جهت‌گیری مجرمانه است. بنابراین، پس از ورود به شهر تهران، با توجه به شناخت و ارتباطی که میان فرد جوان و شبکه‌های دارای انگیزه مجرمانه به وجود آمده است، رفتار مجرمانه شکل می‌گیرد.

«بیست سالم بود که با رفیق‌م اومدیم تهران، از همون روز اولم با نیت خلاف کردن اومدیم، چون دیده بودیم و میدونستیم پول خوبی داره (p26)».

«خیلی از ماها به مدتی با توجه به شرایطی که داشتیم، دور هم جمع شدیم و تصمیم گرفتیم بیایم تهران خلاف کنیم و پولی عایدمون بشه (p3)».

۴- کارکرد اقتصادی جرم: این مضمون، چهارمین مضمون اصلی پژوهش و بیانگر آن است که از دیدگاه جوان مهاجر شروع رفتار مجرمانه با حداقل سرمایه امکان‌پذیر است، نسبت به مشاغل کارگری درآمد بیشتری را نصیب فرد می‌کند و از آن طریق فرد در بازه زمانی کوتاه‌تری به اهداف خود دست می‌یابد. مضمون فوق مشتمل بر دو زیرمضمون، شروع جرم با سرمایه اندک و دور زدن مسیر دست‌یابی به هدف است.

۱-۴- شروع جرم با سرمایه اندک: سرمایه اندک، از دلایل جانبی برخی از جوانان مهاجر جهت شروع فعالیت‌های مجرمانه بوده است. آن‌ها اظهار دارند که شروع به جرم،

برخلاف بسیاری از مشاغل که نیازمند سرمایه و تجهیزات است، به حداقل امکانات و گاهی به هیچ امکانات و سرمایه‌ای نیاز ندارد.

«خوبی مواد آینه که با یه پول خیلی کم میتونی کارتو شروع کنی، تنها شغلیه که بخای شروع کنی ازت نمپرسن چقد سرمایه داری، منم که سرمایه‌ای نداشتم مجبور شدم پیام دنبال همین کارا (p6)».

«برای منی که خودم مصرف‌کننده بودم و هیچ سرمایه‌ای هم از خودم نداشتم بهترین کار همین خلاف بود. هم موادمو هر روز داشتم و خماری پس نمی‌دادم و هم برای طرف کار می‌کردم و خرجی روزمرمو می‌داد (p19)».

۲-۴- دور زدن مسیر دست‌یابی به هدف: برخی از جوانان مهاجر بر این باورند که از طریق مشاغل کارگری و ویژگی‌هایی که این مشاغل دارند، امکان دست‌یابی به اهداف حتی برای مدتی طولانی نیز وجود ندارد. از نظر آنها، ویژگی اصلی فعالیت‌های مجرمانه دست‌یابی به اهداف مالی و دیگر اهداف تبعی نظیر جایگاه اجتماعی، خرید ماشین، مسکن و نظایر آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. موضوعی که از دیگر راه‌ها محقق نمی‌شود.

«چند سال کارگری کردم به‌جایی نرسیدم، به این نتیجه رسیدم که خلاف کردن تنها راهیه که میشه آدم به هدفش برسه (p6)».

«آدم با کارگری به هیچ‌جا نمیرسه، ولی با خلاف پولدار میشی، خونه می‌خری، ماشین می‌خری و میتونی یه زندگی راحت داشته باشی، البته عاقبتم نداره، ولی برای مدت کوتاهی هم شده به خواسته‌ها ت می‌رسی (p19)».

۵- ساختار اجتماعی - اقتصادی نابرابر: ساختار اجتماعی هر جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در دسترسی به فرصت‌ها و امکانات اجتماعی دارد. به‌گونه‌ای که اگر این ساختار نقش خود را به‌درستی ایفا کند، امکان تحقق اهداف و خواسته‌های معقول افراد عملیاتی می‌شود و بالعکس، سوء کارکرد آن، فقدان دسترسی به اهداف، به‌ویژه، نابرابری در دست‌یابی به آن را در پی دارد. این نابرابری که به شکل محرومیت طیفی از افراد در دست‌یابی به اهداف معقول اجتماعی نمود عینی پیدا می‌کند، قدرتمند شدن طبقاتی از



جامعه و محروم شدن طیفی دیگر را در پی دارد. در سطوح مختلف (قبل از مهاجرت به شهر تهران، پس از مهاجرت)، نه تنها کمک‌کننده نبوده و فرصت لازم برای دسترسی عادلانه به امکانات اجتماعی را برای آنها تسهیل نکرده، بلکه با بی‌توجهی در پاسخ‌دهی به نیازهای پیچیده افراد و مواجه‌شدن آنها با چالش‌های مختلف، بر وضعیت آسیب‌پذیری آنها افزوده است.

#### ۱-۵- نبود فرصت‌ها و امکانات شغلی در زادگاه فرد

بررسی تجربه زیسته جوانان مهاجر نشان می‌دهد که این افراد غالباً از مناطق محروم کشور هستند و نسبت به دیگر مناطق دسترسی اندکی به فرصت‌ها و امکانات منجر به کسب درآمد دارند. بنابراین، در اینجا شاهد نوعی نابرابری نهادی هستیم که هم در تصمیمات مهاجرتی افراد و هم شکل‌گیری گرایش‌های مجرمانه تأثیر تعیین‌کننده دارد. «طرفای ما هیچ امکاناتی نداره، همه ما از سر بیکاری اومدیم تهران، با این امید که وضعیتمون بهتر بشه (p5).

«منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم هیچی نداره، نه کارخونه‌ای و نه جایی برای کار

کردن. طوری که تا بزرگ میشیم مجبوریم بیایم تهران کاری دست‌وپا کنیم (P22).

#### ۲-۵- فقدان سازوکارهای حمایت‌کننده برای جذب مهاجران: مرور دقیق

مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌گونه مکانیسم سازمان‌یافته‌ای برای جذب جوانان مهاجر وجود نداشته است. در واقع، پس از ورود مهاجران به شهر تهران، نه تنها برای اشتغال آنها هیچ سازوکار پیش‌بینی‌شده‌ای وجود نداشته است، بلکه از لحاظ اقامت و کیفیت آن و نحوه انجام رفتار و تعاملات در شهرهای بزرگ، با مشکل اساسی مواجه بوده‌اند. شرایطی که هم امکان جذب مهاجران در مشاغل شایسته را محدود کرده و هم امکان نظارت بر رفتارهای آنها را از بین خواهد برد. در این شرایط، ضمن پیچیده‌تر شدن نیازهای فرد، بر عمق محرومیتش افزون‌شده و خط بطلانی بر اهداف و خواسته‌هایش کشیده شده است. بنابراین به‌اختصار می‌توان نتیجه گرفت که، سوء کارکرد ساختار اجتماعی در مراحل

مختلف مسیر مهاجرتی فرد جوان، امکان دستیابی به فرصت‌های برابر و شکوفا کننده را از وی سلب و منجر به جرم و تکرار آن شده است.

«وقتی اومده بودم تهران نه جایی برای خوابیدن داشتم و نه میدونستم کجا برم دنبال کار، هیچ مهارتی جزء کارگری کردنم داشتم، کم کم با آدمای گرگی آشنا شدم که اینقد تشویقم کردن مجبور شدم برم دنبال خلاف (p3)».

«وقتی میای تهران نه جا و مکانی داشتم و نه شغلی بود و نه حتی میدونستم چطوری با دیگران نشست و برخاست داشته باشم. طوری که راحت به همه کس اعتماد می‌کردم. بعد از مدتی هم گول همین قضیه رو خوردم و سر از مواد و زندان درآوردم (p19)».

۶- شرایط محیطی آسیب‌زا: این مقوله، ششمین مضمون اصلی پژوهش است و بیانگر شرایط آسیب‌پذیرانه ای است که جوان مهاجر در شهر تهران آن را تجربه کرده و در گرایش وی به جرم اثرگذار بوده است. این مضمون، مشتمل بر چهار زیر مضمون، مصرف مواد، اسکان آسیب‌زا، معاشرت با گروه‌های مجرمانه، زیستن در محلات بی‌سازمان شهری و اثرات منفی زندگی شهری است.

۱-۶- در هم تنیدگی مصرف مواد و سبک زندگی کارگری: مصرف مواد در اینجا، فراتر از هر چیزی، ناشی از سبک زندگی جوانان مهاجر، تعاملات و فراوانی ارتباطات آنها با مصرف‌کنندگان مواد در محل کار و محل اسکان و فشارهای جسمی و روحی - روانی ناشی از محیط است. اعتیاد، از زمینه‌های اصلی درگیری جوانان مهاجر با رفتارهای مجرمانه است. مصرف مواد، به‌ویژه در جوانان مهاجر، با توجه به شرایط بالقوه آسیب‌پذیرانه ای که در آن قرار دارند، عمدتاً با رفتارهای اعتیادی و در پیش گرفتن سبک زندگی آسیب‌پذیرانه همراه می‌شود. چنین شرایطی ورود فرد مهاجر به فعالیت‌های مجرمانه را تسریع می‌بخشد. فرد جوان درگیر با اعتیاد، پس از مدتی نه تنها توانایی و انگیزه تن دادن به مشاغل کارگری را از دست می‌دهد، بلکه درگیر سبکی و سیاقی می‌شود که احتمال پرداختن به خشونت، خفت‌گیری، سرقت، خرید و فروش مواد و دیگر رفتارهای آسیب‌رسان افزایش می‌دهد.

«خیلی از ماها که مصرف‌کننده شدیم، علتش، جاهایی بوده که اونجا زندگی کردیم، یعنی محل کارمون یا جایی که خوابیدیم، چون اونجا اکثراً مصرف‌کننده موادم (p5)».

«قبل از اینکه خلاف کنم، موادی بودم، بعد از مدتی دیگه تن به کارندادم و برای خرج موادم مجبور شدم برم برای آدمایی کار کنم تا خرج موادمو بدن، از اونجا با هزارتا زدوبند آشنا شدم (p22)».

۲-۶- اسکان نامناسب و مستعد جرم: منطبق با یافته‌های پژوهش، محل اسکان برخی از جوانان مهاجر، همان محل کارشان است. این‌گونه فضاها معمولاً از حداقل امکانات لازم برای استراحت و گذران زندگی روزمره برخوردار است. بااین‌حال، چنین شرایطی از دیدگاه جوان مهاجر غالباً وضعیت ایده آلی محسوب می‌شود، زیرا هم مبلغی در ازای آن پرداخت نمی‌شود و هم فرد از دغدغه‌های مربوط به سرپناه رها می‌شود. اجاره اتاق در محلات آسیب‌خیز شکل دیگر اسکان است که این گروه از جوانان از آن استفاده می‌کنند. این‌گونه فضاها معمولاً در محلات آسیب‌خیز است، هزینه اسکان و اجاره‌بها در آنجا اندک است، بصورت دسته‌جمعی یا کلونی‌گونه است و از حداقل امکانات برخوردار است. گاهی اوقات این اتاق‌ها در ساختمان‌هایی قرار دارد که تعدادی اتاق در آن دایر است و در هر اتاق شماری از افراد سکونت دارند. مصرف‌کنندگان مواد، قماربازان، افراد بی‌خانمان موقت یا فصلی و سارقان از جمله کنشگرانی هستند که در این مکان‌ها حضور دارند. طبیعتاً در چنین شرایطی احتمال آسیب‌پذیری جوان مهاجر و پدیدار شدن گرایش‌های مجرمانه بیشتر از دیگر حالت‌هاست.

«وقتی اومدیم تهران هیچ جا و مکانی نداشتیم، مجبور بودیم بریم جاهایی زندگی کنیم که هیچ امکاناتی نداشت. ده نفر بودیم توی اتاق دوازده متری ساکن بودیم، دستشویی درست و حسابی نداشتیم، حموم و دستشویی‌مون یکی بود. خلاصه خیلی شرایط بدی بود (p6)».

«اومدم تهران جای مشخصی برای خوابیدن نداشتیم، یه روز پیش این رفیقم بودم، یه روز پیش اونیکی، شرایط ساخت بود پول نداشتیم جایی رو اجاره کنم، آخرش توی یکی از خونه‌های مخروبه شوش ساکن شدم (p23)».

۳-۶- معاشرت با گروه‌های مجرمانه: مشارکت‌کنندگان در پژوهش، پس از مهاجرت به شهر تهران عمدتاً مکان‌ها و محلاتی را برای اقامت انتخاب کرده‌اند که هزینهٔ اسکان در آنها کمتر و مکان‌هایی "کلونی گونه" با زندگی "دسته‌جمعی" بوده‌اند. ساکنان این مکان‌ها را عمدتاً کارگران بخش غیررسمی و گروه‌هایی نظیر معتادان، قماربازان، سارقان و بلامکان‌های دوره‌ای تشکیل می‌دهند. فراوانی معاشرت و تعامل با این گروه‌ها، آشنایی با سبک و سیاق کسب درآمد این افراد و مقایسه شرایط فعلی خود با آنها، از عوامل کلیدی تأثیرپذیری از این گروه‌ها به شمار می‌رود.

«وقتی اومدم تهران چون پول زیادی نداشتم مجبور شدم برم توی خونه های مجردی دروازه غار ساکن بشم. این خونه ها همه جور خلافکار داره، کم کم با راه و روش پول درآوردنشون آشنا شدم و بعد از مدتی که دیدم پول خوبی توی این کارا هست وسوسه شدم و رفتم سراغش (p18)».

«توی محله‌هایی که ما زندگی می‌کردیم همه جور خلاف و خلافکار بود. مصرف‌کننده‌ها راحت مواد مصرف می‌کردن، قماربازا قمار می‌کردن، مواد فروشا کاسبی می‌کردن. خلاصه همه کارشونو بدون اینکه کسی بهشون گیر بده انجام می‌دادن (p22)».

۴-۶- تجربهٔ زیستن در محلات بی‌سازمان شهری: برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی حاکم بر برخی محلات شهری را از دلایل زمینه‌ساز و تسهیل‌کنندهٔ رفتار مجرمانه می‌دانند. خانه‌های مجردی، از بین رفتن قبح مصرف مواد و انجام رفتارهای مجرمانه، حضور دسته‌جمعی قماربازان، خریدوفروش علنی مواد، نبود نظارت‌های اجتماعی و انتظامی برخی از نشانگرهای بی‌سازمانی اجتماعی در این محلات است. در چنین شرایطی جوان مهاجر که از وضعیت بالقوه آسیب‌پذیرانه ای رنج می‌برد، با حضور و تعامل در چنین فضاها و محلاتی فشار ناشی از نظارت نظام‌های کنترل رسمی و غیررسمی را کم می‌بیند و به تبع آن احتمال درگیری‌اش با رفتارهای مجرمانه افزایش می‌یابد.

«وقتی اومدم تهران رفتم توی خونه های مجردی دروازه غار، اونجا همه جور خلافکار توش هست، راحت مواد میکشن، قمار میکنن، کاسبی می کنن، کسی هم باهاشون کاری نداره، بعد از مدتی که دیدم نظارتی نیست و آدم گیر نمیفته، منم تشویق شدم برم دنبال خلاف (p15)».

«امثال من به خاطر پول کمی که داشتیم مجبور شدیم بریم توی محله‌هایی مثل شوش زندگی کنیم که خونه ها ارزوتترن و روزانه هم میشه خونه اجاره کرد، اونجا همه چی پیدا میشه، طوری که همه راحت هرکاری میکنن و آدمو وسوسه می کنن توهم مثل یکی از اونا بشی (p19)».

۵-۶- اثرات منفی زندگی شهری: نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زندگی شهری و فضاها و تعاملاتی که جوانان مهاجر در آن قرار گرفته‌اند، با نوعی شرایط اثرگذار منفی همراه بوده است. تجربه توهین و بی‌احترامی، تحقیر اجتماعی، طرد، انگ و نگاه منفی، مقایسه مداوم خود با دیگران و شکل‌گیری احساسات و هیجانات منفی، برخی از نشانگرهای منفی زندگی شهری است که توسط جوانان مهاجر درک و ابراز شده است. محل کار، محل اسکان و به‌طورکلی تعاملات جوان مهاجر در شهر تهران کم‌سودی و مهارت اندک، مقایسه مداوم خود با دیگران، اقامت آسیب‌زا، شرایط کاری نابسامان و نظایر آن، برخی از شرایطی است که در شکل‌گیری این پدیده مؤثر بوده است.

«خیلی اوقات بهم توهین شده ولی چیزی نگفتم چون یارو صاحب کارم بوده، چون به پولش نیاز داشتم. وقتی کارگری می‌کنی مجبوری به هر شرایط بدی تن بدی، هر چیز بدی رو بشنوی ولی چیزی نگی (p18)».

«کارگری کردن یعنی اینکه به هر کاری تن بدی، هر طوری باهات رفتار کنن، برده اینو اون باشی، همش نگاهت به دیگران باشه، همش حسرت آدمایی رو بخوری که پولدارن (p23)».

### بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی به واکاوی زمینه‌های درگیری جوانان مهاجر با رفتارهای مجرمانه پرداخته است. تجربه سوژه‌ها نشان می‌دهد که جوانان مهاجر بیشتر به دنبال جرائمی بوده‌اند که شروع آن نیاز به سرمایه و مهارت خاصی ندارد، انجام این‌گونه رفتارها در مدت‌زمان محدودی آنها را به بخشی از اهداف مالی خود می‌رساند و عمدتاً شبکه یا گروهی از دوستان و خویشاوندان آنها به این رفتارها نیز مشغول بوده‌اند. با این تفسیر، جرائم مرتبط با مواد و سرقت بارزترین جرائم ارتكابی توسط جوانان مهاجر بوده‌اند. با استنباط از یافته‌های پژوهش، مهاجرت با انگیزه کار و کارگری و ارتكاب رفتار مجرمانه دو شکل غالب در ارتباط با انگیزه‌های ابتدائی مهاجرت جوانان به شهر تهران است. وقتی متن مصاحبه‌ها را با دقت مرور می‌کنیم متوجه می‌شویم که تمامی سوژه‌ها هدف اصلی‌شان از مهاجرت به شهر تهران، کسب درآمد بوده است. از نتایج پژوهش این‌گونه استنباط می‌شود که در ابتدای ورود به شهر تهران، برای دستیابی به این هدف، سوژه‌ها ابزارها یا روش‌های متفاوتی را گزینش کرده‌اند. کار کردن و انجام رفتار مجرمانه، روش‌های اصلی مهاجران برای دستیابی به اهداف خود است. در نوعی از مهاجرت که فرد با انگیزه کار و اشتغال در فعالیتهای کارگری به شهر تهران مهاجرت کرده است، وی انگیزه‌های کجروانه ناچیزی دارد و یا چنین انگیزه‌ای را به هیچ شکلی ندارد، با این وجود، پس از گذشت مدتی از اقامت در شهر تهران و در نتیجه تعاملات و تجربیاتی که کسب کرده است، ترغیب و تشویق به انجام رفتارهای مجرمانه شده است. این طیف از جوانان مهاجر، قبل از ورود به شهر تهران کار کردن را ابزار اصلی کسب درآمد تصور کرده‌اند و پس از ورود به شهر تهران به مشاغل کارگری روی آورده‌اند. با این حال، چنین مشاغلی عمدتاً کاذب، بدون نیاز به مهارت، دارای درآمد اندک، فاقد امنیت شغلی، فرسودگی شغلی، کار سخت و توان‌فرسا و دیگر شرایط اثرگذار منفی بوده است. ویژگی‌های این مشاغل به همراه شرایط اثرگذار منفی زندگی شهری و در نهایت عدم دستیابی جوانان مهاجر به اهداف و خواسته‌های خود، به تدریج زمینه را برای شکل‌گیری افکار مجرمانه و

به تبع آن رفتارهای مجرمانه تسریع بخشیده است. طیف دیگری از جوانان مهاجر که تعدادشان نسبت به گروه اول به مراتب کمتر است، جوانان مهاجری بوده‌اند که از همان ابتدا با انگیزه‌های مجرمانه وارد شهر تهران شده‌اند. این نوع از مهاجرت، نسبت به مهاجرت کارگری، تعداد محدودتری از جوانان مهاجر را در برمی‌گیرد. در اینجا، فرد مهاجر با امید رسیدن به آنچه دوستان، خویشاوندان و یا همشهریان خود دست‌یافته‌اند، روانه شهر تهران شده است. دست‌یابی به آمال و آرزوهای خود از طریق انجام رفتارهای مجرمانه، هدف اصلی این نوع از مهاجرت است و فرد مهاجر پس از ورود به شهر تهران مستقیماً وارد گروه‌های مجرمانه شده است. ویژگی اصلی این طیف از مهاجرت‌ها، مهاجرت با هدف کسب پول با روش انجام رفتار مجرمانه بوده است. ویژگی بارز دیگری که در اینجا وجود دارد این است که این افراد معمولاً در شهر تهران، افراد یا شبکه‌ای از دوستان و آشنایان بزهکار را می‌شناسند و پس از ورود به شهر تهران به آنها ملحق می‌شوند و یا از کمک آنها به‌منظور انجام رفتارهای مجرمانه بهره می‌گیرند. علاوه بر این، در مواردی هنجارها و ارزش‌های فرهنگی منطقه‌ای که فرد زندگی می‌کند، نوعی از رفتارهای مجرمانه را تأیید می‌کند و در شکل‌گیری افکار و رفتارهای مجرمانه جوان مهاجر تأثیرگذار بوده است. بنابراین، در اینجا فرد قبل از مهاجرت و قرار گرفتن در شرایط مستعد آسیب، از نگرش‌ها و تعاملات و شبکه‌هایی برخوردار است که وی را ترغیب به انجام رفتار مجرمانه در شهر تهران می‌کند. منطبق با چهارچوب مفهومی پژوهش، جوانان مهاجر در زادگاه خود با محرومیت‌هایی مواجه بوده‌اند و برای جبران بخشی از آن محرومیت‌ها به شهر تهران روانه شده‌اند. مقایسه مبتنی بر محرومیت نسبی در شهر مبدأ و امکان دست‌یابی به اهداف خود در شهر مقصد از عوامل اصلی تصمیمات مهاجرتی در اینجا محسوب می‌شود. علاوه بر این، وجود جاذبه‌های اقتصادی در شهر تهران و عوامل دافعه و بازدارندگی که در زادگاه محل سکونت جوانان مهاجر وجود دارد، و شبکه‌ها و روابط اجتماعی جوانان از عوامل اصلی شکل‌دهنده انگیزه‌های مهاجرتی در آنان است. شرایط فوق در حالی است که جوانان مهاجر در شهر تهران از دست‌یابی به اهداف و انتظارات خود فرسنگ‌ها دور

شده‌اند و فراتر از آن، در شرایطی قرار گرفته‌اند که زمینه‌ساز ارتکاب جرم آنها شده است. جوانان مهاجر با توجه به شرایط زیسته‌ای که داشته‌اند، به‌طور مداوم با فشارهای متعددی نظیر، فشارهای شغلی، اشتغال کاذب و طاقت فرست، ناتوانی در تحقق انتظارات خود و خانواده، هیجانات و احساسات منفی، نبود فرصت‌ها و امکانات، مصرف مواد، تحقیر و توهین در روابط اجتماعی، اسکان نامناسب و تجربه زندگی در محلات بی‌سازمان شهری مواجه بوده‌اند. همان‌گونه که مبرهن است، فشارهای درهم‌تنیده در سطوح مختلف زندگی فرد مهاجر و فقدان دستیابی به اهداف و آرزوها و به شکلی دقیق‌تر شکاف میان دستاوردها و انتظارات در شهر مقصد، چالشی است که جوانان مهاجر آن را تجربه کرده‌اند. از نظر مرتون افراد مطیع قانون هستند اما زمانی که تحت تأثیر فشار زیاد باشند به جرم رجوع می‌کنند و شکاف میان اهداف و وسایل فراهم‌کننده این اهداف، منبع اصلی فشار است. علاوه بر این، شکل‌گیری هیجانات و احساسات منفی نظیر احساس محرومیت، خشم، ناامیدی، نادیده گرفته شدن، بی‌قدرتی، رهاشدگی، تبعیض و خودکم‌بینی بخشی از تجربه زیسته جوانان مهاجر بوده است و با بهره‌گیری از تئوری آگنیو می‌توان گفت چنین تجربیاتی در شکل‌گیری جرم نقش اساسی داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرایند یادگیری اجتماعی در شکل‌گیری رفتار مجرمانه جوانان مهاجر نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل و زندگی کلونی گونه جوانان مهاجر در محیط‌های کارگری و فراوانی ارتباطات این افراد با گروه‌های آسیب‌پذیر و هم‌سنخ با خود، فراوانی تعامل با دوستان مجرم و یا دوستان دارای ارزش‌های و نگرش‌های تأییدکننده جرم، شرایطی را فراهم آورده است که امکان یادگیری رفتارها و شگردهای جرم‌زا، درونی شدن نگرش‌های مجرمانه و در نهایت بروز رفتارهای مجرمانه را موجب شده است. همسو با یافته‌های بدست آمده در پژوهش، از نظر ساترلند، جرم تابعی از یکی فرایند یادگیری اجتماعی است و مهارت‌ها و انگیزه‌های منجر به جرم، به‌عنوان یک نتیجه از تماس با ارزش‌های جرم‌زا، نگرش‌ها و تعاریف و دیگر الگوهای رفتار مجرمانه یاد گرفته می‌شوند. با بهره‌گیری از تئوری ساترلند و نتایج تجربی بدست آمده، این‌گونه بحث



و نتیجه‌گیری می‌شود که بروز رفتارهای مجرمانه در جوانان مهاجر، در نتیجه فراوانی ارتباط و هم‌نشینی آن‌ها با گروه‌های مشابه و تأییدکننده رفتارهای مجرمانه است. با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش می‌توان گفت، تجربه کردن فشارهای درهم‌تنیده در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به ادراک مبتنی بر عدم دستیابی به اهداف و انتظارات خود در جوانان مهاجر، از یک‌سو، و کم‌رنگ شدن نقش مکانیسم‌های نظارت رسمی و اجتماعی در شهر تهران از سوی دیگر، تضعیف پیوندهای اجتماعی جوانان مهاجر را در پی داشته و زمینه را برای بروز رفتارهای انحرافی موجب شده است. در نتیجه بروز این شرایط، تعلق و تعهد افراد به نهادها، اجتماع و هنجارهای اخلاقی آن تضعیف و افراد با تلاش بیشتری در پی ارتکاب رفتارهای انحرافی خواهند بود. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش‌های پیشین در برخی از مضامین و مقوله‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر نیز ارتباط دارد. یافته‌های پژوهش ابراهیمی در موضوعاتی همچون مشکل انتخاب مسکن، اشتغال، کسب و درآمد مهاجران و بیشتر شدن احتمال ارتکاب جرم در آنها، یافته‌های پژوهش سراج زاده و همکاران در ارتباط با زمینه‌های مهاجرت کجروانه فروشندگان مواد مخدر (مقولات یادگیری اجتماعی، مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت)، همه‌گیر بودن مهاجرت‌ها و نگرش والدین به این کار، جاذبه‌های اقتصادی مهاجرت نابهنجار و بهنجار شدن جرم)، یافته‌های پژوهش پروین و همکاران در ارتباط با مواجهه بودن کارگران مهاجر با موضوعاتی همچون، پایین بودن میزان دستمزد، برخوردهای تحقیرآمیز شهروندان، فشارهای جسمی و روحی شدید و همچنین قرار داشتن در معرض برخی از جرائم و آسیب‌های اجتماعی، یافته‌های پژوهش علی بابایی و پروین در ارتباط با مستعد آسیب بودن کارگران مهاجر فصلی و درگیری برخی از آنها با رفتارهای مجرمانه، یافته‌های پژوهش صادقی فسایی در ارتباط با موضوعات دزدی و اعتیاد به‌عنوان برخی از پیامدهای مهاجرت کارگری، یافته‌های پژوهش ژانک در ارتباط با موضوعاتی همچون مشاغل ناپایدار، عدم سازگاری با زندگی در، شهرها، اقتصاد و شرایط زندگی ضعیف، سطح پایین

تحصیلات و کیفیت فردی، عدم تضمین منافع حقوقی کارگران و یافته‌های پژوهش بل در ارتباط با احتمال درگیر شدن با جرم در نتیجه فرصت‌های ضعیف بازار کار ارتباط دارد.

### پیشنهادها

- تدارک برنامه جامع ملی در سطوح مختلف برای غربالگری و جذب مهاجران در مشاغل شایسته
- فرهنگ‌سازی عمومی با رویکرد محله محوری در راستای اصلاح نگرش‌ها و باورهای منجر به جرم
- تدوین برنامه جامع و مشترک با همکاری جدی نهادهای اجتماعی - سیاسی برای توانمندسازی جوانان درگیر با جرم در بستر زندان
- ارائه و استمرار برنامه‌های مراقبت پس از خروج در بستر جامعه به منظور جلوگیری از بازگشت مجدد به جرم در جوانان مهاجر
- برنامه‌ریزی کلان برای پیشگیری از مهاجرت‌های آسیب‌پذیرانه از طریق ایجاد ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی پایدار در مناطق مهاجر فرست
- انجام پژوهش‌های ترکیبی و چند حوزه‌ای کلان نگر با هدف شناسایی دقیق‌تر فاکتورهای مؤثر بر بروز جرم در جوانان مهاجر برنامه‌ریزی برای رفع و تعدیل آن چالش‌ها

### تقدیر و تشکر

این مقاله با همکاری شورای تحقیقات اداره کل زندان‌های استان تهران انجام پذیرفته است. از مجموعه سازمان زندان‌ها بابت دسترسی به «نمونه‌های پژوهش» تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

- ابراهیمی، محمداحسان. (۱۳۹۷)، رابطه‌ی خاستگاه فرهنگی مهاجران با ارتکاب جرائم مواد مخدر، فصلنامه رهیافت پیشگیری، دوره ۱، شماره ۳: ۱۳-۲۳.
- پوراحمد، احمد و کلانتری، محسن. (۱۳۸۱)، نقش مهاجرین در نوع و میزان جرائم ارتكابی شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲۰: ۵۳-۶۹.
- علی بابایی، یحیی و پروین، ستار. (۱۳۹۱)، گونه شناسی کارگران مهاجر فصلی برحسب رفتارهای پرخطر در شهر تهران: یک مطالعه کیفی. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۲: ۲۸۹-۳۰۶.
- پروین، ستار؛ کلانتری، عبدالحسین و صفری، محمدرحیم. (۱۳۹۳)، تجربه روزمره کارگران میادین میوه و تره‌بار در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی). پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱: ۱۷۳-۲۰۶.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ پویانفر، محمدرضا و مینایی، حدیث. (۱۳۹۷)، زمینه‌های اجتماعی مهاجرت کج روانه فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۸: ۱۰۳-۱۳۳.
- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۵)، ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و ارائه راه‌حل‌های کاهش آن در عسلویه، مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲: ۱۱۹-۱۴۶.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت.
- موکرجی، شکر. (۱۳۹۰)، مهاجرت و تباهی شهری، ترجمه: فرهنگ ارشاد و عبدالله سالاروند، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷)، ضد روش، «زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی». قم: انتشارات: لوگوس.
- قاسمی اردهایی، علی. (۱۳۹۲)، مهاجرت شبکه‌ای و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به تهران، فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۱۵: ۹۷-۱۲۱.

- Bell, B. (2014). *Crime and immigration: Do poor labor market opportunities lead to migrant crime?*, IZA World of Labor: 33. doi: 10.15185/izawol.33.v2
- Lee, E. S. (1966). A Theory of Migration. *Demography*, 3(1): 47- 57. <https://doi.org/10.2307/2060063>.
- Molinedo-Quílez MP. (2020). Psychosocial risk factors in young offenders. *Rev Esp Sanid Penit*. 22(3): 104-111. doi: 10.18176/resp.00019. PMID: 33300933; PMCID: PMC7754538.
- Spenkuch, J. L. (2013). Understanding the Impact of Immigration on Crime. *American Law and Economics Review*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1612849>.
- Siegel, L. J. (2017). *Criminology: theories, patterns, and typologies*, thirteenth edition, Thomson Learning Academic Resource Center 1-800-423-0563.
- Zhang, D. (2014). Status and Causes of Chinese Migrant Workers crime. *Asian Social Science*. Vol 10. No 9.

استناد به این مقاله: درویشی فرد، علی اصغر و پروین، ستار. (۱۴۰۱). فهم زمینه‌های جرم در جوانان مهاجر شهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۳)، ۲۷۷-۳۱۲.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.